



## راه‌هایی از فتنه‌های آخرالزمان

گفت‌وگو با حجت الاسلام و المسلمین علی نظری منفرد

اشاره:

و در اصطلاح منظور از آخرالزمان قسمت پایانی عمر دنیا و قبل از قیامت است که در مقابل بخش آغازین و میانی دنیاست. البته شاید به ذهن برخی این معنا خطور کند که آخرالزمان به مدت کوتاهی گفته می‌شود که این طور نیست.

قرب و نزدیکی هم یک مفهوم نسبی است. اینکه گفته می‌شود آخرالزمان دوره نزدیک به قیامت است به این معنا نیست که فاصله اندکی با هم دارند بلکه در مقایسه با بخش آغازین و میانی تاریخ و زمان، نزدیک‌تر است.

حجت‌الاسلام و المسلمین علی نظری منفرد از نویسندگان و خطیبان بنامی است که با دارا بودن بیش از بیست اثر محققانه در حوزه تاریخ اسلام و اهل بیت (ع) و سخنرانی‌های متعدد در داخل و خارج از کشور، تلاش بلیغی را برای ترویج معارف اسلامی به کار برده است. انتشار اثر ارزشمند و عالمانه «قصه انتظار» که در مدت کوتاهی مهبیای چاپ سوم شده است بهانه‌ای شد ایشان گفت‌وگویی ترتیب دهیم که حاصل آن تقدیم شما خوانندگان عزیز می‌شود.

● واژه آخرالزمان چه بارمعنایی را به همراه خود دارد؟

○ روایات فراوانی درباره آخرالزمان به دست ما رسیده است. این وفور حاکی از آن است که به علت ویژگی‌های این دوره اتفاقات قابل توجهی می‌افتد. در دوره صدر اسلام یا حتی قبل از اسلام، ظالمان و ستمگران حضور داشته‌اند و وجود ظلم از شاخصه‌های آخرالزمان نیست. در میان فرزندان حضرت آدم وقتی قربانی هابیل قبول

● با تشکر از شما که وقت خود را در اختیار ما قرار دادید، لطفاً برای آغاز گفت‌وگو بفرمایید در لسان روایات، آخرالزمان را به چه معنا به کار برده‌اند و بیان کننده چه مقطعی از تاریخ به شمار می‌رود؟

○ من هم از شما تشکر می‌کنم. در پاسخ به این سؤال باید عرض کنم آخرالزمان یک ترکیب اضافی مضاف و مضاف الیه است که هر دو واژه آخر و زمان در فارسی هم به کار می‌رود و ترکیب این دو به معنای پایان زمان است

که شما خود دعوت مرا اجابت نمودید». شیطان در این دوره زشت‌ترین حرکات و رفتارها را بسیار زیباتر از دیگر دوره‌ها نشان می‌دهد. نکته دیگری که نباید در اینجا فراموش کنیم این است که در بروز رفتارهای ناپسند انسان‌ها تنها شیطان دخیل نیست و نفس انسان‌ها هم نقش بسزایی دارد. قرآن کریم می‌فرماید:

«أفرأیت من اتخذ إلهه هواه» یعنی عده‌ای هوای نفسانی شان را خداوند خویش قرار داده‌اند. قرآن در مواردی شیطان را در کنار دنیا قرار داده که: «فلا تعرنکم الحیوة الدنیا و لا تعرنکم بالله الغرور»؛ پس مبدا زندگانی دنیا شما را بفریبد و مبدا (شیطان) فریبکار شما را به (کرم) خدا مغرور سازد که منظور از غرور شیطان است. در تمام این ظلم‌ها و فجایعی که به طور روزمره می‌شنویم و می‌بینیم، نفس افراد نیز دخیل است. از رسول خدا (ص) و امیرمؤمنان (ع) نقل شده که فرمودند: «آن آخوف ما أخاف علیکم اثنان؛ إبتاع الهوی و طول الامل. اما إبتاع الهوی فیسد عن العمل؛ بیشترین چیزی که بر شما از آن بیم دارم دو چیز است: نخست، پیروی از هوای نفس و دیگری آرزوی طولانی، که پیروی از هوای نفس مانع از انجام عمل می‌شود». در روایت دیگری هم فرمودند: «أعدی عدوک نفسک التی بین جنبیک؛ دشمن‌ترین دشمنان افراد نفس خودشان است». دشمن سعی می‌کند فرد را به تباهی بکشاند. نفس و شیطان در تباهی‌های انسان در دوره آخرالزمان هم عرض هستند همان طور که ما دو حجت درونی (عقل) و بیرونی (انبیا) داریم، دو دشمن درونی (نفس) و بیرونی (شیطان) نیز داریم. در این جنگ و گریز میان حجت‌ها و دشمن‌ها اگر با تبعیت از عقل دستورات انبیا را به کار ببندیم موفق خواهیم بود و الا شکست خورده ایم.



در دو قرن اخیر در پی انقلاب صنعتی هر چند به ظاهر بشر در عرصه‌های زیادی موفقیت به دست آورده اما رویکرد بشر به مادیت، افزون‌خواهی، زیاده‌طلبی و انس هر چه بیشتر با مادیت و به کار بستن آن در راستای امیال و خواسته‌های نفسانی شده است.

● در روایات آخرالزمان صحبت از افرادی است که صبح مؤمن‌اند و بعد از ظهر کافر یا آنکه عصر ایمان دارند، ولی فردا صبح ایمان خود را از دست داده‌اند. به نظر شما آیا این جریان ناشی از شدت التهابات آخرالزمانی است یا ضعف اهل آخرالزمان؟

○ اولین دلیل این تغییر و تحول آن است که ایمان فرد، در حقیقت جان او رسوخ نکرده است. این همان چیزی است که از آن با ایمان شناسنامه‌ای یاد می‌کنیم. از همین روست که قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا آمنوا بالله» خداوند از مؤمنان خواسته که ایمان بیاورند. در انتهای سوره حجرات نیز آمده که «قالت الأعراب أمانا قل لم تؤمنوا و لکن قولوا أسلمنا و لمّا یدخل الایمان فی قلوبکم؛ عرب‌های بادیه‌نشین گفتند: ایمان آورده‌ایم، ولی بگویید اسلام آورده‌ایم، اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است.» ایمان در قلب‌های چنین افرادی،

شد، قابیل به قتل او همت گماشت. این جریان همواره در طول تاریخ وجود داشته که عده‌ای بر اساس هوای نفسانی خود عمل می‌کرده‌اند و عده‌ای در مقابل، مراقب عملکرد خویش بوده‌اند. در آخرالزمان این روال هم ادامه دارد اما در این دوران و به خصوص در دو قرن اخیر ما شاهد یک جهش در این حوزه هستیم. در پی انقلاب صنعتی، اساساً نحوه زندگی انسان‌ها متفاوت شده است. هر چند به ظاهر بشر در عرصه‌های زیادی موفقیت به دست آورده اما رویکرد بشر به مادیت، افزون‌خواهی، زیاده‌طلبی و انس هر چه بیشتر با مادیت و به کار بستن آن در راستای امیال و خواسته‌های نفسانی شده است. به طور طبیعی به دنبال آن ظلم و بسیاری دیگر از مفاسد را به دنبال می‌آورد. از همین رو ظلم و تجاوز به حقوق دیگران در سال‌های اخیر بیشتر شده است و این در حالی است که تمهیدات ظاهری برای جلوگیری از ظلم مانند سازمان ملل و ظلم‌ها موفق نبوده است. به طور خلاصه باید بگوییم فراگیری، وفور و کثرت - نه صرف وجود - ظلم شاخصه اصلی دوره آخرالزمان است.

● ما، در روایات دوره آخرالزمان را مجموعه‌ای از ظلم‌ها، فتنه‌ها و آسیب‌ها مشاهده می‌کنیم؛ به نظر شما علت اصلی بروز و ظهور این مجموعه در دوره آخرالزمان چیست؟

○ ما نباید آن را ناشی از یک علت بدانیم اما سرسلسله تمام این علت‌ها را باید رخت بستن ارزش‌ها از زندگی و نگرش‌های عمومی مردم بدانیم. عدالت خواهی، امانتداری و صداقت از میان مردم رخت بر بسته و جای خود را به بی‌تعهدی و رقابت‌های ناسالم در بهره‌گیری از همدیگر داده است. این رخت بر بستن ارزش‌ها نیز ناشی از فراموش کردن خداست. تعبیر قرآن این است که «تسوالله ففسیمهم أنفسهم» یعنی انسان‌هایی که خدا را فراموش کردند، خداوند نیز آنان را دچار خود فراموشی می‌کند. انسان وقتی که خود و مبدأ و مالش را فراموش کرد همه این نتایج به طور طبیعی به دنبال آن می‌آید.

● آیا می‌توانیم آخرالزمان را دوره اوج ظهور، بروز و اقدامات شیطان بدانیم؟

○ بنا بر منابع دینی ما، شیطان، موجود گمراه‌کننده و اغواکننده‌ای است. در آیات قرآن به کرات از آن سخن به میان آمده است. مهم‌ترین ترفند شیطان بنا بر صریح آیات قرآن این است که عمل زشت انسان‌ها را در نظر آنان زیبا جلوه می‌دهد: «زین لهم الشیطان أعمالهم» همانند کالایی که آن را تزئین می‌کنند تا مشتری فریب بخورد. بالاترین اقدام و قدرت شیطان، صرفاً دعوت است. قرآن صراحتاً بیان می‌کند که شیطان در قیامت به خطاکاران رو کرده، می‌گوید: «نه من فریادرس شما بودم و نه شما مرا و من تنها یک دعوت‌کننده‌ای بودم

است تا ما دچار حرج نشویم. البته ممکن است اینها اثر وضعی و طبیعی خود را بگذارند اما مهم این است که اینها نمی‌توانند در مسیر اصلی زندگی یک شخص که واقعاً ایمان داشته باشد ایجاد اختلال کند. مانند کسی که نادانسته و بی اطلاع به گمان مثلاً آب آلبالو، شراب بنوشد مست می‌شود اما اولاً معصیت نکرده و ثانیاً با از بین رفتن آثار شراب او به همان حالت سابق خود بازمی‌گردد. از این ابتلائات تنها با عزلت و استفاده در حد اضطراب می‌توان گریخت. از امام صادق (ع) روایتی نقل شده که فرمودند: «دنیا نزد من به مانند میته‌ای است که تنها به قدر اضطراب از آن برمی‌دارم».

عرض کردم که مراتب حفظ در برابر آسیب‌ها متفاوت است. گاهی انسان به نحوی برخورد می‌کند که زندگی روزمره اش مختل نشود. در این حالت به ناچار باید سراغ احکام ظاهری رفت. اما مرحله صیانت کامل با عزلت و جدایی کامل از جامعه اتفاق می‌افتد که برخی از بزرگان در دوره‌های قدیم نیز چنین می‌کرده‌اند و کتاب نوشته‌اند. راه سوم استفاده در حد اضطراب است که شخص واقعاً به قدر ضرورت از متاع دنیا توشه برچیند. همان طور که مستحضری در حالت اضطراب حتی اگر شما یقین به حرمت یک چیز داشته باشید باز به قدر ضرورت و برای حفظ جان می‌توان از آن استفاده کرد چه رسد به موردی که حرمت آن مشکوک و محتمل است. باید افراد به قدر توانشان در شبهات پرهیز و مراعات داشته باشند؛ البته در حد توان نه بیشتر از آن که توان افراد در مواجهه با این موضوع متفاوت است.

نقل می‌کنند شخصی در کوفه باخبر شد که یکی از گوسفندها بنا به علتی گوشش حرام شده است. سؤال کرد که عمر یک گوسفند چقدر است و به طور طبیعی یک گوسفند را چندساله ذبح می‌کنند؟ پاسخ شنید مثلاً سه سال. او سه سال اصلاً گوشت گوسفند نخورد تا دچار حرام و شبهه نشود. چنین رفتار و پرهیزی در توان همه کس نیست و نمی‌توان آن را از همه توقع داشت. بعضی در برخی شرایط خاص می‌توانند در این حد بر خود مسلط باشند. برای بسیاری این در حد حرج است و خداوند در مواردی که به حد حرج رسیده باشد اجازه تسهیل داده است.

● در روایات دو دسته دستور می‌توان دید: دسته‌ای که امر به قیام می‌کنند و دسته‌ای که به نشستن در خانه و پرهیز از قیام دستور می‌دهند. تکلیف ما در قبال چنین روایاتی چیست؟

○ ما وقتی این دو دسته روایات را کنار هم بگذاریم می‌بینیم که موارد آنها با هم متفاوتند. گاهی هست که هر نوع اقدامی جان و آبروی شخص را به خطر می‌اندازد. در این دسته موارد ما مأمور به تقیه و سکوتیم که فرمودند: «التقیة دینی و دین آسانی؛ تقیه دین من و دین

به تعبیر روایات ایمان مستعار (عاریه‌ای) است و نزد او به امانت گذاشته شده است. اگر ایمان فرد پشتوانه محکم و قوی داشته باشد حتی در تزلزلات آخرالزمان نیز دچار التهاب و تحول نخواهد شد.

● چطور می‌توان ایمان مستقر و نه مستودع و مستعار داشت؟

○ در زندگی‌های روزمره برای مواجهه با آسیب‌ها چند نوع سیاست اتخاذ می‌کنیم. دسته‌ای از آنان چنان انسان را در کنف حمایت قرار می‌دهند که به تعبیر روایات به مانند حصن و قلعه محکم است. دسته‌ای از آنها هم انسان را در معرض ابتلائات قرار می‌دهد و به طور طبیعی انسان آسیب می‌پذیرد. ما اگر بخواهیم ایمان مستقر و محکم، نه مستودع و مستعار داشته باشیم باید قبل از هر چیز به تقویت پایه‌های ایمان خود بپردازیم. مبانی ایمان همان مسائل شناختی و معرفتی است. باید خود و دیگران را به این سمت سوق بدهیم. قرآن کریم در آخر سوره یوسف خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

«قل هذه سبیلی أدعو إلى الله على بصيرة أنا و من اتبعنی؛ بگو: این راه من است، من و سرورانم و با بصیرت کامل همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم.» تا این شناخت و بصیرت نباشد فرد خیلی زود در دامن شیطان می‌افتد و در زمره «اخوان الشیاطین» قرار می‌گیرد. نکته‌ای که لازم است در اینجا متذکر شوم این است که، اولاً شیطان محدود به ابلیسی که بر حضرت آدم سجده نکرد نیست و ما شیاطین متعدد جن و انس داریم. ثانیاً قرآن کریم تصریح می‌کند که اگر کسی از یاد خداوند متعال روی گرداند خداوند شیطانی را قرین و همشین او قرار می‌دهد: «و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطاناً فهو له قرین» به عبارت دیگر گاهی دوست و همشین انسان شیطان است. برای آسیب ناپذیری تحکیم مسائل معرفتی است که مسائل عملی اسلام مانند دعا و عبادت هم به آن کمک می‌کند چون اینها مکمل هم هستند و بر هم تأثیر متقابل دارند.

● برخی ابتلائات آخرالزمان مانند مال شبهه ناک و حرام به نحوی است که بسیاری از مردم را خواسته و ناخواسته دچار خویش می‌سازد. با این ابتلائات و فتنه‌ها چه باید کرد که حداقل آسیب پذیری را داشته باشیم؟

○ دین اسلام علاوه بر مسائل واقعی، احکام ظاهری نیز دارد. ما در اسلام قواعدی مانند طهارت، ید و حلیت داریم که در علم فقه از آن صحبت به میان می‌آید. نه فقط در این دوره، که در هر دوره‌ای این قاعده حاکم است که، هر چند با درصدی اندک این احتمال وجود دارد که کالایی دزدی باشد یا مثلاً حیوانی به طور شرعی ذبح نشده باشد اما در چنین مواردی برای مصلحت تسهیل قاعده سوق و بازار اسلامی جاری می‌شود. این راه گشایی

الناس زمان لا يقرب فيه الا الماحل و لا يضعف فيه الا المنصف. يعدون الصدقه فيه غرما و صلح الرحم متا و العباده استتاله على الناس؛ زمانى بر مردم مى گذرد كه جز انسان متملق مقرب نمى شود و جز انسان منصف ضعيف شمرده نمى شود. صدقه را خسارت صلۀ رحم همراه با امنيت و عبادت را به جهت ريا انجام مى دهند.» اين امور را به ندرت مى توان در جامعه مشاهده كرد يا اين روايت كه يأتى على الناس زمان لا يقرب منه الا اسم و من القرآن الا درسه» البته بخشي از آن آسيبها هنوز محقق نشده است.

#### ● در چنين شرايطى براى صيانت از خود و اطرافيان چه بايد كرد؟

○ براى پاسخ به اين پرسش از روايات استمداد مى كنم. ائمه (ع) هم درد را بيان نموده اند و هم درمان. يكي از اين راهها دعاست. دعاهايى مانند: «اللهم عرفني نفسك...»، دعای افتتاح و ... خداوند متعال دعایی را كه از صميم دل و اعماق جان بيرون بيايد بدون پاسخ نمى گذارد. در اين موارد خداوند لطف نموده و شخص را بيمه مى كند. راه ديگر تقويت بنيه اعتقادی خود، خانواده، اطرافيان و ... است؛ البته راهكارهاى انجام آن و نيل به چنين هدفى نياز به تبیین دارد كه مجال ديگرى مى طلبد. وقتى فرد قوی شد مى تواند مقاومت كند. راه سوم هم تقوا پيشه كردن است. ما هر سه اينها را بايد انجام بدهيم. روايت مى فرمايد: «إن لصاحب هذا الأمر غيبة الصابر لدینه كاعراض لقتاه؛ ديندارى در عصر غيبت، به مانند كندن درختى پر از خار است.» براى چاره فرمودند: «فليتمسك عبداً بدينه و ليتق الله؛ بايد كه بنده به دينش چنگ زند و تقواى خدا را رعایت نمايد.» اينها راهكارهاى است كه هم مى توان خود را حفظ كرد و هم ديگران را دعوت به حفظ نمود.

#### ● با تشكر از اينكه در اين گفت و گو شركت نموديد.

##### پي نوشتها:

۱. سورة انفال (۸)، آية ۴۸.
۲. سورة ابراهيم (۱۴)، آية ۲۲.
۳. سورة جاثيه (۴۵)، آية ۳۳.
۴. سورة لقمان (۳۱)، آية ۳۳.
۵. سورة نساء (۴)، آية ۱۳۶.
۶. سورة حجرات (۴۹)، آية ۱۴.
۷. سورة يوسف (۱۲)، آية ۱۰۸.
۸. سورة زخرف (۴۳)، آية ۳۶.

پدرانم است.» اين امر از همان صدر اسلام در جريان عمار به تأييد قرآن و رسول اكرم (ص) رسیده است. در بقيه موارد كه مي بينيم با حركت و قيام مى توان به نتيجه رسيد، مسلماً بايد حركت كرد. اين روايات قابل جمع هستند. اين نكته را هم اضافه كنم كه شرايط صدور روايت متفاوت بوده است. بخشي از آنها در شرايطى مانند اواخر دوره مروانى كه اغتشاشى به پا شده بود و بخش ديگر در دوره استقرار عباسيان. مسلماً در چنين شرايطى ديگر امكان قيام و اقدام جدى نبود. برخى از بنى الحسن (ع) مانند محمد نفس زكيه، شهيد باخمرآ قيام كردند ولى نتيجه اى نگرفتند. مهم اين است كه ما زمان شناس باشيم.

#### ● شيعيان به چه ميزان از ابتلائات آخرالزمان آسيب مى بينند؟ بيشتر يا كمتر از بقيه اقوام و ملل؟

○ طبيعى است وقتى بلایى فرود مى آيد همه را در بر مى گيرد. وقتى شب شد همه جا شب است. منتها ميزان ابتلا و آسيب پذيرى افراد متفاوت است؛ مثلاً شما نگاه كنيد در دوره هاى قديم كه ناگهان بيمارى فراگيرى مانند وبا در جايى شايع مى شد همه نمى مردند و برخى با اينكه در ميان مردم زندگى مى كردند اما با اين حال زنده مى ماندند. اگر بدنى قدرت دفاعش بيشتر باشد ديرتر مبتلا مى شود و بدن نحيف و مهيباى ابتلا سريع تر خود را به بيمارى تسليم مى كند. در مسائل و ابتلائات عقيدتى و دينى نيز چنين است. افرادى كه خيلى قوى باشند ديرتر آسيب مى پذيرند و برخى ديگر كه به تعبير حضرت امير (ع) «همج رعا» هستند به دنبال هر صدایی راه مى افتند و با هر نسيمى تكان مى خورند. اين افراد خيلى زود گرفتار آسيبها مى شوند. در مقابل اينان مؤمنان قرار دارند كه همچون كوه راسخ اند: «المؤمن كالجبل الراسخ لا تحركه العواصف» كه حتى طوفانها و باده هاى شديد هم آنان را تكان نمى دهد.

از آنجا كه به خاطر ارشادات و هشدارهاى اهل بيت (ع) شيعيان آمادگى ذهنى براى مواجهه با اين ابتلائات را داشته اند به طور طبيعى ميزان آسيب پذيرى آنان كمتر مى شود؛ البته در ميان شيعيان نيز بسته به ميزان اطلاع و آمادگى آنان است و همه در يك سطح قرار نمى گيرند.

#### ● با در نظر گرفتن آسيبهاى بيان شده در روايات، جامعه امروز را تا چه حدى آسيب زده مى بينيد؟

○ سير جامعه بشرى به همان شكلى است كه در روايات ما آمده است؛ هر چند ما نمى توانيم بگويم ما الان در مقطع متصل به ظهور قرار داريم؛ زيرا همه نشانه هاى ظهور در يك مقطع اتفاق نمى افتد و اينها به تدريج رخ مى دهند. تنها علائم حتمى كه قرآن از آنها به «اشراط الساعة» ياد مى كند مربوط به دوره خاص زمانى است. از حضرت امير (ع) نقل شده كه فرمودند: «يأتى على

